



کنند، که احتمالاً با مذاکرات طولانی مدت در مورد تعیین مرزهای زمینی و دریایی آغاز خواهد شد. این امر به کاهش تنش‌های مکرر کمک می‌کند و همکاری ساختار یافته‌تری را در مورد مسائل کلیدی دوجانبه، از جمله بازگشت بیش از یک میلیون پناهنده سوری که در حال حاضر در لبنان هستند و حل و فصل سرنوشت بازداشت‌شدگان لبنانی در زندان‌های سوریه، امکان‌پذیر می‌سازد. در مقیاس وسیع‌تر، با اعلام تعهد علنی الشرع به حفظ آتش‌بس چنددهه‌ای با اسرائیل و با تسریع تلاش‌ها برای بازسازی سوریه تحت حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس، ایالات متحده از لغو تحریم‌های سوریه برای فشار بر دمشق برای عادی‌سازی تدریجی روابط با اسرائیل، که سوریه قبلاً تمایل خود را برای انجام آن ابراز کرده، بهره خواهد برد. در صورت موفقیت، این امر نه تنها خطر شعله‌ور شدن اختلافات مرزی را کاهش می‌دهد، بلکه راه را برای ادغام اقتصادی و ایجاد ثبات بیشتر در سراسر شامات هموار می‌کند. با این حال، عادی‌سازی روابط سوریه و اسرائیل احتمالاً در مقایسه با روند عادی‌سازی روابط سوریه و لبنان، که ساده‌تر است، بسیار دشوارتر خواهد بود و چشم‌انداز بلندمدت‌تری خواهد داشت.

ترامپ علناً از الشرع خواسته است که عادی‌سازی روابط با اسرائیل را به عنوان بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای ادغام منطقه‌ای دنبال کند. در پاسخ، مقامات سوری با ابراز تمایل مشروط به این ایده، اظهار داشته‌اند که اگر اسرائیل به تمامیت ارضی سوریه احترام بگذارد و با تضمین‌های امنیتی مرحله‌ای موافقت کند، عادی‌سازی «منتفی نیست». این اولین باری بوده است که دمشق در بیش از یک دهه گذشته به چنین احتمالی اشاره می‌کند.

البته به‌رغم حرکت بالقوه به سمت بهبود اقتصادی و ادغام مجدد منطقه‌ای، آینده سوریه همچنان مملو از داینامیک‌های امنیتی بی‌ثبات‌کننده است که اگر به آنها رسیدگی نشود، هرگونه پیشرفتی به طور قابل توجهی مختل خواهد شد. ظهور مجدد داعش در صحرای مرکزی سوریه همچنان تهدیدی جدی خواهد بود. گروه‌های فعال داعش اخیراً زیرساخت‌های نفتی در حمص و دیرالزور را هدف قرار داده‌اند. خرابکاری‌های مداوم در زیرساخت‌های انرژی نه تنها درآمدهای صادراتی سوریه را کاهش می‌دهد، بلکه مانع جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی ضروری در این بخش نیز می‌شود. به‌رغم تعهد رژیم الشرع به مبارزه با داعش، قابلیت‌های سوریه برای انجام این کار محدود است. همچنین هنوز مشخص نیست که آیا کشورهای دیگر نیز به این مبارزه خواهند پیوست یا خیر و آیا حمایت خارجی برای متوقف کردن ظهور مجدد داعش در سوریه و عراق کافی خواهد بود یا خیر.

به‌طور موازی، تنش‌های فرقه‌ای در سوریه نیز همچنان بالاست و خطر شعله‌ور شدن مجدد درگیری‌های داخلی، به‌ویژه بین گروه‌های دروزی در سویدا، جناح‌های علوی در امتداد سواحل سوریه که بر سر کنترل منابع رقابت می‌کنند و شبه‌نظامیان طرفدار ایران که در سراسر کشور پراکنده‌اند، وجود دارد. این تنش‌ها می‌تواند امنیت کریدورهای حیاتی ترانزیتی مانند بزرگراه‌های M۴ و M۵ را که در استراتژی سوریه در جهت احیای خود به عنوان یک قطب تجاری منطقه‌ای کلیدی هستند، تهدید کند. اسرائیل که در حال حاضر به شدت با عادی‌سازی روابط با سوریه مخالف است و مشتاق گسترش مناطق حائل امنیتی خود در این کشور است، با اشاره به دولت انتقالی جدید دمشق به عنوان یک رژیم اسلام‌گرای ضداسرائیلی که نمی‌توان به آن اعتماد کرد، تنش‌ها را تشدید می‌کند. بنابراین حملات هوایی اسرائیل و تهاجم‌های گاه به گاه احتمالاً ادامه خواهد یافت و درگیری کم‌شدتی را تشدید خواهد کرد که اعتماد سرمایه‌گذاران را سلب کرده و بازسازی زیرساخت‌ها را در سوریه مختل می‌کند، به‌ویژه اینکه اسرائیل به حمایت از شبه‌نظامیان دروزی در جنوب سوریه متعهد شده است. علاوه بر این، با وجود اعلام حزب کارگران کردستان در ۱۲ مه مبنی بر انحلال و پایان دادن به درگیری مسلحانه چنددهه‌ای خود با ترکیه، روند صلح احتمالاً زمان خواهد برد، زیرا این گروه شبه‌نظامی‌گرد، کنار گذاشتن سلاح‌های خود را به مجموعه‌ای گسترده از مسائل مشروط کرده که بعید است به این زودی‌ها حل شوند. در این میان، درگیری‌ها بین مقامات سوری و شبه‌نظامیان‌گرد مرتبط با پ. ک. همچنان یک خطر بالقوه خواهد بود و در نهایت مانع دیگری برای بهبود سیاسی، امنیتی و اقتصادی سوریه ایجاد خواهد کرد. ایالات متحده، لغو تحریم‌ها را به اخراج شبه‌نظامیان فلسطینی و سایر جنگجویان خارجی از سوریه مشروط کرده است. اما هرگونه اقدامی از سوی الشرع برای کنار گذاشتن این جناح‌ها، که برخی از آنها در وزارت دفاع مستقر هستند، می‌تواند واکنش شدید یا حتی شورش مسلحانه از سوی گروه‌های تندرو را به دنبال داشته باشد. عدم موفقیت دمشق در مهار جریان قاچاق کپتاکون به کشورهای همسایه نیز می‌تواند به مانعی برای عادی‌سازی روابط و بازسازی سوریه تبدیل شود.

در هفته‌های اخیر، اسرائیل با توجیه قصدش برای حفاظت از اقلیت دروزی، دخالت نظامی خود را در جنوب سوریه تشدید کرده است. این اقدام شامل استقرار نیروهای اسرائیلی فراتر از منطقه حائل تحت نظارت سازمان ملل، تصرف سرزمین‌هایی مانند قنطره و بخش‌هایی از کوه هرمون و ایجاد حضور نظامی پایدار در این مناطق است. مقامات اسرائیلی قول داده‌اند که با انجام حملات هوایی علیه گروه‌هایی که گفته می‌شود دروزی‌ها را تهدید می‌کنند، از جوامع دروزی محافظت کنند.



ترامپ علناً از الشرع خواسته است که عادی‌سازی روابط با اسرائیل را به عنوان بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای ادغام منطقه‌ای دنبال کند. در پاسخ، مقامات سوری با ابراز تمایل مشروط به این ایده، اظهار داشته‌اند که اگر اسرائیل به تمامیت ارضی سوریه احترام بگذارد و با تضمین‌های امنیتی مرحله‌ای موافقت کند، عادی‌سازی «منتفی نیست». این اولین باری بوده است که دمشق در بیش از یک دهه گذشته به چنین احتمالی اشاره می‌کند.

لغو تحریم‌ها همچنین ممکن است به عنوان کاتالیزوری برای عادی‌سازی روابط سوریه، نه تنها با لبنان، بلکه در درازمدت با اسرائیل از طریق توافق نامه‌های ابراهیم، عمل کند. دمشق و بیروت که از نظر تاریخی در هم تنیده شده‌اند، داینامیک‌های تجاری و همزیستی مشترکی دارند. لبنان برای سوریه به عنوان دروازه تجاری و سوریه برای لبنان به عنوان کریدور ترانزیت زمینی به منطقه وسیع‌تر عربی عمل می‌کند. با این حال، روابط دوجانبه در طول دو دهه گذشته به دلیل دخالت سیاسی سوریه در لبنان، مداخله حزب الله در جنگ داخلی سوریه و حضور پناهندگان سوری در لبنان و سایر مسائل، متلاطم بوده است. با لغو تحریم‌های سوریه، هر دو کشور ممکن است انگیزه‌های متقابلی برای پیگیری مذاکرات عادی‌سازی روابط پیدا

قادر می‌سازد تا مقامات مورد علاقه خود را در وزارتخانه‌های کلیدی اقتصادی منصوب کرده و در عین حال جناح‌های رقیب را بیشتر به حاشیه رانده یا با خود همراه کند. علاوه بر این، هجوم بودجه‌های خارجی و وعده احیای اقتصادی به الشرع این قدرت را می‌دهد تا با ارائه قراردادهای بازسازی یا سمت‌هایی در نهادهای اداری تازه تأسیس، رهبران سابق شبه‌نظامیان را خنثی یا جذب کند و رقبای بالقوه را بیشتر تضعیف کند. این عوامل در کنار هم به این معنی است که الشرع در موقعیتی خواهد بود که تصمیم‌گیری را متمرکز کرده و شبه‌نظامیانی را که هنوز با گذار سیاسی مخالف هستند، برای پیوستن به دولت سوریه ترغیب کند.

تیم اقتصادی دولت انتقالی سوریه پیش از این یک «بسته تثبیت ۱۰۰ روزه» تهیه کرده است که از تأمین مالی عربستان سعودی برای تقویت پیوند سوریه و راه‌اندازی مجدد دو پایگاه غیرفعال در بانیاس و حمص استفاده می‌کند. اینها گام‌هایی است که انتظار می‌رود قیمت سوخت بازار سیاه را قبل از زمستان به نصف کاهش دهد.

به‌رغم تلاش الشرع برای متمرکز کردن اقتدار خود و جذب شبه‌نظامیان فرقه‌ای در دولت انتقالی، چندین گروه شبه‌نظامی فرقه‌ای هنوز ادغام نشده‌اند. از جمله علوی‌ها در ساحل غربی سوریه، دروزی‌ها در جنوب و کردها در شمال شرقی. برخی از آنها آشکارا از پیوستن به دولت خودداری کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر (مانند کردها) تمایل خود را برای ادغام ابراز کرده‌اند، اما شرایطی قرار داده‌اند که بعید است دمشق آن را برآورده کند که مهمترین آن داشتن خودمختاری منطقه‌ای است.



لجستیکی عمل می‌کرد که مدیترانه را از طریق بزرگراه‌های کلیدی مانند M۴ و M۵ به خلیج فارس متصل می‌کرد. این کشور همچنین قبل از سال ۲۰۱۱، روزانه تا ۳۸۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کرد که عمدتاً از طریق میادین مناطق دیرالزور و الحسکه بود. این کشور نفت خام را از طریق بنادر بانیاس و طرطوس صادر می‌کرد و یک کشور ترانزیت برای خطوط لوله گاز منطقه‌ای، از جمله خط لوله گاز عرب بود که سوریه را به عنوان یک پل انرژی استراتژیک بین مصر، عراق، ترکیه و اروپا قرار می‌داد.

در حالی که برخی از شرکت‌های آمریکایی ممکن است علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در سوریه باشند، ترامپ هنوز هیچ نشانه‌ای مبنی بر قصد ایالات متحده برای لغو عنوان حامی تروریسم دولتی سوریه - برچسبی که در سال ۱۹۷۹ به دلیل حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی وضع شده بود - نشان نداده است. این برچسب بر روی سوریه، همچنان مانع بزرگی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود.

در ۲۴ فوریه سال جاری، اتحادیه اروپا تحریم‌های خاص علیه سوریه، از جمله محدودیت‌های مربوط به بخش‌های انرژی، بانکی و حمل و نقل را به حالت تعلیق درآورد. این تعلیق، مسدود شدن دارایی‌های پنج بانک را لغو کرد، محدودیت‌های بانک مرکزی سوریه را کاهش داد و معافیت را برای تسهیل تحویل کمک‌های بشردوستانه به طور نامحدود تمدید کرد. متعاقباً، در ۲۴ آوریل، بریتانیا تحریم‌ها علیه دوازده نهاد سوری، از جمله ادارات کلیدی دولتی و رسانه‌های خبری را لغو کرد.

با گذشت زمان، کاهش تحریم‌ها به احمد الشرع این امکان را می‌دهد که قدرت خود را در سوریه بیشتر تثبیت کند. در حالی که لغو تحریم‌ها در درازمدت به طور گسترده‌تری به سوریه خدمت خواهد کرد، اما هنوز مسائلی وجود دارد که رئیس‌جمهور موقت باید در کوتاه‌مدت برای بهبود کنترل خود بر دولت به آنها رسیدگی کند. با باز کردن قفل دسترسی به دلارهای آمریکا و هموار کردن راه برای جذب بودجه‌های بازسازی مورد حمایت کشورهای خلیج فارس و ترکیه از این جمله هستند. لغو تحریم‌ها به الشرع این امکان را می‌دهد که حداقل به پیروزی‌های سریع و قابل مشاهده‌ای دست یابد که سوری‌های خسته از جنگ سال‌هاست شاهد آن نبوده‌اند. از جمله پرداخت کامل حقوق کارکنان بخش دولتی که قطر اخیراً قولش را داده است که از ژوئن ۲۰۲۵ تأمین مالی آن را آغاز کند. این پیروزی‌های اولیه احتمالاً میزان محبوبیت و مشروعیت داخلی الشرع را افزایش می‌دهد و او را

دیپلمات‌ها



تأیید ایده کنسرسیوم هسته‌ای

مجید تخت‌روانچی، عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و معاون سیاسی وزیر امور خارجه روز گذشته در گفت‌وگویی اصل وجود ایده کنسرسیوم هسته‌ای در مذاکرات را تأیید کرد. تخت‌روانچی گفت: «بحث اسنپ بک یکی از موضوعاتی است که در مذاکرات با اروپا مطرح می‌شود. اروپایی‌ها موضع ما را در این زمینه می‌دانند و اگر بخواهند سوءاستفاده‌ای در این زمینه صورت گیرد، ما هم دست‌بسته نخواهیم بود و در چارچوب NPT اقداماتی را انجام می‌دهیم. در جلسه اخیر در استانبول هم این موضوع مطرح شد؛ اما موضوع جدیدی نبود. کشورهای منطقه علاقه دارند گفت‌وگوهای ایران و آمریکا به نتیجه برسد. ایده تشکیل کنسرسیوم اتمی ایران و کشورهای عربی از طرف ایران مطرح نشده ولی وجود دارد. این موضوع هم یکی از مباحثی است که اگر مذاکرات جدی شود، ممکن است مطرح شود.»



ترامپ خواستار حل مسئله است

وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد که هدف آمریکا جلوگیری کامل از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است. او مدعی شد حتی غنی‌سازی در سطوح پایین نیز می‌تواند به سرعت به سطوح تسلیحاتی منجر شود. به گفته رویو، رئیس‌جمهور آمریکا خواهان حل این موضوع از راه دیپلماتیک است، اما در عین حال کاملاً مصمم است که ایران هرگز به توان هسته‌ای دست نیابد. در جریان گفت‌وگویی با مارگارت برنان از سی‌بی‌اس‌نیوز، او به مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا گفت: شما گفته‌اید که ایران از دید شما در آستانه تبدیل شدن به یک کشور هسته‌ای است و ما در لحظه‌ای حساس قرار داریم. آمریکا و ایران دوباره وارد مذاکره شده‌اند. آیا می‌توانید سیاست آمریکا را در این زمینه روشن کنید؟ آیا خط قرمز این است که ایران حتی برای مصارف غیرنظامی هم نباید اورانیوم غنی‌سازی کند؟ آیا باید کل برنامه‌اش را کاملاً برچیند؟ رویو پاسخ داد: ببینید، اگر شما بتوانید در هر سطحی غنی‌سازی انجام دهید، اساساً می‌توانید خیلی سریع به سطح تسلیحاتی برسید. یعنی این یک حقیقت بنیادی است و همه آن را می‌دانند، و این همان مشکلی بود که در توافق اوپاما وجود داشت. اما هدف نهایی در اینجا ساده است؛ ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و ترجیح رئیس‌جمهور، چون از جنگ خوشش نمی‌آید، این است که این هدف از طریق مذاکره‌ای صلح‌آمیز حاصل شود. در واقع، رئیس‌جمهور نه تنها می‌خواهد ایران دنبال سلاح هسته‌ای نرود، بلکه می‌خواهد ایران کشوری ثروتمند، صلح‌طلب و شکوفا باشد که مردمش خوشبخت باشند. وزیر خارجه آمریکا افزود: او می‌خواهد مردم ایران آینده‌ای بهتر داشته باشند. خودش گفته که سازنده است، نه بمب‌انداز. او خودش را این‌طور می‌بیند و واقعاً همین‌طور هم هست. او رئیس‌جمهوری است که خواهان صلح است و به همین دلیل این مسیر را پیشنهاد داده و امیدواریم ایرانی‌ها این مسیر را انتخاب کنند. اما او خیلی روشن گفته ایران هرگز نباید توانایی هسته‌ای داشته باشد. آن‌ها هرگز سلاح هسته‌ای نخواهند داشت. این اتفاق نخواهد افتاد و امیدواریم این نتیجه از راهی صلح‌آمیز و دیپلماتیک به دست آید و ما هم اکنون در همین مسیر تلاش می‌کنیم. رویو گفت: ما قرار نیست درباره‌اش در رسانه‌ها مذاکره کنیم، چون این کار رسیدن به نتیجه را سخت می‌کند. اما هدف نهایی این است که ایران نه سلاح هسته‌ای داشته باشد و نه توان تهدید همسایگانش، به‌ویژه اسرائیل.